University of Tehran Press

Public Law Studies Quarterly

Homepage: http://jplsq.ut.ac.ir

Online ISSN: 2423-8139

Volume: 56, **Issue:** 2
Summer 2026

Intentionalist Interpretation of the Law with an Emphasis on Bargaining Theory

Seyed Alireza Rezaee[1] | **Ali Javadi**[2] | **Jafar Shafiee Sardasht**[3]✉

1. Ph.D in Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. Email: alirezarezaee4771@mail.um.ac.ir
2. Corresponding Author; M. A. in public law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: ali.javadi74@gmail.com
3. Assistant Prof., Department of Public Law, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. Email: jshafiee@ferdowsi.um.ac.ir

Article Info

Article Type:
Research Article

Pages: 645-665

Received:
2024/04/15
Received in Revised form:
2024/11/12
Accepted:
2025/05/05
Published online:
2026/06/22

Keywords:
law Interpretation, originalist interpretation, intentionalist interpretation, bargaining theory.

Abstract

Laws, like any other human phenomenon, may have ambiguities, conflicts or contradictions. Therefore, the interpretation of the law is essential. The lack of a systematic way of interpretation of the laws leads to multiple interpretations of law texts and results in irregularity in the implementation of legal regulations. In order to prevent scattered interpretations of law texts, legal writers have tried to propose different methods to interpret the law so that they can reduce scattered interpretations of law texts by presenting a methodical way. One of these ways is to pay attention to the origin of the law and the intention of the legislator. In this method, the commentator is trying to discover the legislator's opinion through legal texts or other related texts, such as the transcript of the negotiations during the approval of the law. In this research, the method of intentionalist interpretation of the law is examined and based on the theory of bargaining, a systematic method is proposed to examine the negotiations for the approval of the law. Finally, the current paper concludes that the method of intentional interpretation of the law can resolve the ambiguities of the legal texts. The most important issue of the mentioned method is the method of examining the proceedings of negotiations for the approval of the law, which can be used to discover the will of influencing legal groups by using the bargaining theory.

How To Cite	Rezaee, Seyed Alireza; Javadi, Ali; Shafiee Sardasht, Jafar (2026). Intentionalist Interpretation of the Law with an Emphasis on Bargaining Theory. *Public Law Studies Quarterly*, 56 (2), 645-665. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2025.376194.3530
DOI	10.22059/jplsq.2025.376194.3530
Publisher	University of Tehran Press.

انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

Homepage: http://jplsq.ut.ac.ir

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۲۴۲۳
دوره: ۵۶، شماره: ۲
تابستان ۱۴۰۵

تفسیر قصدگرای قانون با تأکید بر نظریهٔ چانه‌زنی

سیدعلیرضا رضائی[۱] | علی جوادی[۲]✉ | جعفر شفیعی سردشت[۳]

۱. دانش‌آموختهٔ دکتری حقوق خصوصی، دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.
رایانامه: alirezarezaee4771@mail.um.ac.ir

۲. نویسندهٔ مسئول؛ دانش‌آموختهٔ کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکدهٔ حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
رایانامه: ali.javadi74@gmail.com

۳. استادیار حقوق عمومی دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. رایانامه: jshafiee@ferdowsi.um.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۴۵-۶۶۵

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۲/۲۵

تاریخ بازنگری:
۱۴۰۳/۰۸/۲۲

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴/۰۲/۱۵

تاریخ انتشار برخط:
۱۴۰۵/۰۴/۰۱

کلیدواژه‌ها:
تفسیر قانون، تفسیر قصدگرا، تفسیر منشأگرا، نظریهٔ چانه‌زنی.

چکیده

قوانین مانند هر پدیدهٔ انسانی دیگری ممکن است دارای ابهام، تعارض یا تناقض باشند، از این‌رو تفسیر قانون امری ضروری است. فقدان شیوهٔ تفسیری نظام‌مند از قوانین سبب ایجاد تفاسیر متعدد از متن قانون و در نهایت بی‌نظمی در اجرای مقررات قانونی می‌شود. در راستای جلوگیری از تفاسیر متشتت از متن قانون، متفکران تلاش کرده‌اند که روش‌های مختلفی را در جهت تفسیر قانون پیشنهاد دهند تا از این طریق بتوانند با ارائهٔ شیوه‌ای روشمند، تفاسیر پراکنده از متن قانون را کاهش دهند. یکی از این شیوه‌ها، توجه به منشأ قانون و قصد قانونگذار است. در این روش، مفسر در تلاش است که نظر قانونگذار را از متون قانونی یا سایر متون مرتبط نظیر مشروح مذاکرات تصویب قانون کشف کند. سؤال اصلی مقالهٔ حاضر آن است که آیا از طریق بررسی چانه‌زنی‌های گروه‌های مختلف در زمان تصویب قانون می‌توان قصد قانونگذار را استنباط کرد و از این حیث نظر کدام‌یک از گروه‌های سیاسی باید ملاک قرار گیرد؟ در نهایت، پژوهش حاضر به این نتیجه نائل آمده است که روش تفسیر قصدگرای قانون می‌تواند ابهامات متون قانونی را برطرف کند. مهم‌ترین مسئلهٔ روش مذکور، نحوهٔ بررسی مذاکرات تصویب قانون است که می‌توان با استفاده از نظریهٔ چانه‌زنی، اراده گروه‌های مؤثر قانونی را کشف کرد.

استناد

رضائی، سیدعلیرضا؛ جوادی، علی؛ شفیعی سردشت، جعفر (۱۴۰۵). تفسیر حقوق بین‌الملل عرفی: از قابلیت تفسیر تا اصول روش‌شناختی. *مطالعات حقوق عمومی*، ۵۶ (۲)، ۶۴۵- ۶۶۵.
DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2025.376194.3530

DOI 10.22059/jplsq.2025.376194.3530

ناشر مؤسسهٔ انتشارات دانشگاه تهران.

CC BY NC

۱. مقدمه

ابهام و تعارض در متن قوانین، همواره وجود داشته و دارد. برخلاف سایر اطلاعات و متون، در صورت مشخص نبودن دقیق منطوق قوانین، مشکلات زیادی ایجاد می‌شود، زیرا قوانین بر حقوق و تکالیف اشخاص تأثیرگذارند. ابهام یک متن ادبی یا علمی، تأثیر مهمی در جامعه ندارد، اما ابهام متون قانونی، سبب اجرای قانون با رویکردهای مختلف یا متعارض می‌شود. در این صورت، به‌دلیل عدم اجرای یکسان قانون، در جامعه بی‌عدالتی ایجاد شده و هدف قانون هیچ‌گاه محقق نمی‌شود. برای مثال در اصل ۱۱۵ قانون اساسی بیان می‌شود که رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی انتخاب شود. در خصوص اینکه آیا این وصف به این معناست که صرفاً مردان می‌توانند رئیس‌جمهور شوند یا این موضوع ارتباطی با جنسیت رئیس‌جمهور ندارد و اعم از زنان و مردان است، اختلاف‌نظر وجود دارد. از یک طرف گروهی معتقدند که بنا به رویهٔ شورای نگهبان در تأیید صلاحیت نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری، تاکنون هیچ زنی جهت نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری تأیید صلاحیت نشده است و با توجه به اینکه شورای نگهبان مفسر قانون اساسی است، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که بنا به نظر آن شورا لفظ رجال صرفاً بر مردان تطبیق پیدا می‌کند (هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۹۱؛ وکیل و عسکری، ۱۳۹۴: ۴۸۴). در همین زمینه بنا به مستندات فقهی عده‌ای معتقدند که در متون روایی و نظرهای فقها ممنوعیت ولایت زنان تصریح شده است، از این‌رو با توجه به اینکه ریاست جمهوری مستلزم نوعی ریاست بر مردم است، پس امکان ریاست جمهوری برای زنان وجود ندارد (لک‌زایی و فراهتی، ۱۳۹۸: ۷۴–۷۵). در مقابل عده‌ای معتقدند که اولاً ادلهٔ مربوط به عدم ولایت عام زنان، شامل تمامی مصادیق ریاست زنان نمی‌شود، بلکه منظور صرفاً ممنوعیت ولایت زنان در سطوح عالی نظیر ولایت فقیه است (عترت‌دوست و وزیری فرد، ۱۳۹۲: ۹۱–۹۲؛ قاضی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱). از طرف دیگر نیز عده‌ای معتقدند که ذکر لفظ رجال در قانون اساسی از باب غلبه بوده است، زیرا عمدهٔ مسئولان کشور مرد بوده‌اند و از این‌روی این موضوع وصف غالبی بوده است که دلالتی بر مفهوم مخالف خود مبنی بر عدم امکان ریاست جمهوری زنان ندارد (موحدی محب، ۱۴۰۰: ۲۷۷). در این شرایط، با توجه به اینکه تفاسیر مختلفی از اصل ۱۱۵ قانون اساسی بیان شده است، آیا می‌توان پذیرفت که مرد بودن یکی از شرایط رئیس‌جمهور است یا خیر؟ در این شرایط، به‌دلیل ابهام قانون، نمی‌توان آن را به‌صورت کامل اجرا کرد از این‌رو دو راهکار متصور است؛ نخست آنکه از طریق فرایند تصویب و اصلاح قوانین، قانون به‌نحوی اصلاح شود که ابهام آن برطرف شود یا باید از ابزار «تفسیر قانون» برای رفع ابهام استفاده کرد. روش اول روشی بسیار زمان‌بر است و نمی‌تواند مشکلات و معضلات روزمرهٔ جامعه را به‌خصوص در مورد قوانینی که تشریفات ویژه‌ای برای اصلاح آن وجود دارد نظیر قانون اساسی حل کند، پس ناگزیریم که در این راستا از ابزار «تفسیر قانون»

استفاده کنیم (بابایی مهر، ۱۳۸۸: ۱۷۴). از این‌رو اهمیت تفسیر قانون نمایان می‌شود. در همین زمینه بسیاری از حقوقدانان تفسیر از متن یک قانون را همتراز و هم‌رده با همان قانون دانسته‌اند (ویژه، ۱۳۸۸: ۱۴). برخی دیگر نیز آن را هم دارای ارزش برابر با قانون دانسته‌اند (بهادری جهرمی، ۱۳۹۵: ۵۰؛ خلف رضایی، ۱۳۹۳: ۷۴) و بعضی دیگر آن را در حکم قانون دانسته‌اند. به‌عبارت دیگر تفسیر قانون عادی در حکم قانون عادی و تفسیر قانون اساسی در حکم قانون اساسی است (هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۵۱).

در تفسیر قانون از روش‌های مختلفی نظیر روش‌های منشأگرا و ضدمنشأگرا استفاده می‌شود. در شیوهٔ اول مفسر در تلاش است که تفسیری از متن قانون ارائه دهد که بیشترین تطبیق را با متن قانون و قصد وضع‌کنندگان آن داشته باشد. این شیوه خود به دو دسته تفسیر لفظی و تفسیر قصدگرا تقسیم می‌شود. در روش تفسیر لفظی، تفسیر بنا به توجه به الفاظ قانونی و ارتباط بین آنان ارائه می‌شود و در شیوهٔ قصدگرا برای تفسیر به اهداف و مقاصد قانونگذار از طریق توجه به مشروح مذاکرات قانونی و چانه‌زنی میان گروه‌های مختلف قانون تفسیر می‌شود. در شیوهٔ ضدمنشأگرا، مفسر در تلاش است که با توجه به تحولات و وقایع جاری، تفسیری از متن قانون ارائه دهد که با عدالت و سایر هنجارهای بنیادین هماهنگ‌تر باشد، حتی اگر در این زمینه از متن قانون فاصله بگیرد (حبیب‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۱۳-۱۲۱۲؛ کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۱۱-۲۱۶).

با توجه به توضیحات مذکور، سؤالات اصلی پژوهش حاضر عبارت‌اند از: ۱. در زمان تفسیر قانون به شیوهٔ قصدگرا، آیا از طریق بررسی چانه‌زنی‌های گروه‌های مختلف در زمان تصویب قانون می‌توان قصد قانونگذار را استنباط کرد؟ ۲. جهت استنباط قصد قانونگذار بر مبنای چانه‌زنی گروه‌های مختلف، نظر کدام‌یک از گروه‌های سیاسی باید ملاک قرار گیرد؟

در پاسخ به پرسش‌های مزبور، فرضیه‌های این مقاله بر این امر استوار است که: ۱. با توجه به اینکه در روش قصدگرا، مفسر تلاش می‌کند که از طرق مختلفی نظیر مشروح مذاکرات قانونی، قصد قانونگذار را قانون حاصل چانه‌زنی گروه‌های مختلف سیاسی است و یکی از روش‌های تفسیر قصد مقنن، تفسیر مبتنی بر نظریهٔ چانه‌زنی است که در کشف ارادهٔ مقنن راهگشا و مفید است، زیرا می‌توان با استفاده از نظریهٔ چانه‌زنی، ارادهٔ گروه‌های مؤثر قانونی را کشف کرد؛ ۲. به‌منظور اعمال نظریهٔ چانه‌زنی در تفسیر قوانین و کشف ارادهٔ قانونگذار، باید گروه‌های مؤثر در تصویب قانون و میزان تأثیر هر یک از گروه‌های مذکور در مراحل مختلف طرح و تصویب قانون به‌صورت موردی و بر اساس مذاکرات تصویب قانونی مشخص شود و می‌توان گفت که همیشه ارادهٔ گروه‌های اکثریت موافق تصویب قانون ملاک عمل نیست و گاهی می‌بایست به ارادهٔ گروه‌های اقلیت موافق با تصویب قانون نیز توجه کرد.

با توجه به مراتب مذکور، در تحقیق حاضر ابتدا «روش تفسیر قصدگرایی» بررسی و سپس «نظریهٔ چانه‌زنی» به‌عنوان یکی از رویکردهای قابل اعمال در تفسیر قصدگرایی توضیح داده می‌شود. پس از

آشنایی با مفاهیم مذکور، «روش تفسیر قصدگرایی با استفاده از نظریهٔ چانه‌زنی» مورد مداقه قرار می‌گیرد. در نهایت، مسئلهٔ مهم نقش بازیگران مؤثر قانونی در استفاده از نظریهٔ چانه‌زنی بررسی می‌شود.

۲. روش تفسیر قصدگرایی

روش‌های مختلفی به‌منظور تفسیر قانون پیشنهاد شده است. دو روش اصلی تفسیر قانون عبارت‌اند از: «تفسیر منشأگرا» یا «تفسیر ضدمنشأگرا». در روش تفسیر منشأگرا که خود به دو دستهٔ قصدگرایی و لفظ‌گرایی تقسیم می‌شود، برای رفع ابهام از قانون، توجه به متن قانون و پیش‌زمینه‌های آن اولویت دارد. در شیوهٔ قصدگرایی، مفسر تلاش می‌کند که از طرق مختلف نظیر مراجعه به مشروح مذاکرات در زمان تدوین قانون به مقصود مقنن پی ببرد؛ اما در شیوهٔ لفظ‌گرایی برخلاف روش قصدگرایی مفسر تلاش می‌کند که با کشف معانی عرفی قانون از طریق روش‌هایی نظیر قیاس[۱] یا قیاس اولویت[۲] یا مفهوم مخالف[۳]، تفسیر مناسبی قانون ارائه دهد (آقایی طوق، ۱۳۸۶: ۴۴-۴۵). در مقابل در روش مبتنی بر نظریات ضدمنشأگرا نظر به اینکه حقوق مربوط به ادارهٔ امور جوامع انسانی است و با توجه به تغییر مستمر جوامع انسانی، برداشت همیشگی یکسان از قانون نمی‌تواند ما را به مقصود قانون برساند؛ نیاز است که با تغییر شرایط، برداشت و تفسیر از قانون نیز تغییر کند تا قانون بتواند پویایی خود را حفظ کند و همچنان نسبت به نیازهای جامعه پاسخگو باشد. در این نظریه قوانین موجودات زنده‌ای هستند که محتوای آن در طول زمان با تفسیرها بر مبنای نیازهای روز هر جامعه‌ای تغییرپذیر است (آقایی طوق، ۱۳۸۶: ۶۳)؛ از این‌رو ملاک اصلی، «نظر دادرس و مجری قانون» است. در این روش، اگرچه اعمال‌نظر دادرس و مجریان قانون سبب جلوگیری از کهنه شدن قانون می‌شود، اما امکان دارد قاضی به مقصود لفظی قانونگذار پایبند نباشد و نظر خود را برخلاف نظر قانونگذار در آرا اعمال کند. در واقع در این روش با توجه به هدف اصلی قانون که اجرای عدالت و نظم در جامعه است، مفسر از التزام به متن قانون فاصله می‌گیرد و بر اساس شرایط جامعه نظر تفسیری خود را ارائه می‌دهد (محمدی میرعزیزی، ۱۳۹۹: ۴۸)؛ اما علی‌رغم این استدلال، این شرایط برخلاف هدف اصلی حکومت مردم در جامعه است، زیرا هنگامی‌که

---

۱. درصورتی‌که حکم قانون ناظر به مورد خاصی باشد و این حکم به‌علت مشابهت کامل با موضوع دیگری به آن تسری داده شود، قیاس صورت گرفته است (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۸۹).

۲. اگر جهت و دلایلی که وجود حکم در یک موضوع خاص را ایجاب کرده است در موضوع دیگری نیز به‌صورت قوی‌تری وجود داشته باشد، حکم موضوع اول را باید در موضوع دوم جاری دانست (محمدی، ۱۳۹۰: ۷۴).

۳. قضیه‌ای است که از نظر نفی و اثبات مخالف منطوق باشد. درصورتی‌که از مفهوم موجود در قانون برای موضوع خاصی حکمی را بیان کند بنا به شرایط می‌توان نتیجه گرفت که آن حکم در خصوص موضوعاتی که مشمول این حکم نیستند، جاری نخواهد شد (محمدی، ۱۳۹۰: ۷۵).

نظرهای قضات بدون توجه به قانون در آرا اعمال شود، این به معنای حکومت قضات در جامعه است نـه نمایندگان مردم (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۱۷). در نتیجه به‌نظر می‌رسد روش تفسیر منشأگرا در راستای تفسیر قانون و حاکمیت قانون در جامعه، راهگشاتر است.

از نظر تاریخی، روش‌های تفسیر قانون اغلب متکی بر رویکرد تفسیر متون دینی بوده و به همین دلیـل، کشف اراده مقنن اصلی‌ترین روش تفسیر قانون به‌شمار می‌رفته اسـت. در جوامـع اسـلامی نیـز ایـن روش عمدتاً در میان اصولیون مسلمان جهت تفسیر متون دینی مورد بحث و بررسی قرار گرفتـه اسـت، از ایـن‌رو روش قصدگرایی یا مبتنی بر ارادهٔ قانونگذار، رویکرد غالب میان مفسرین و دکتـرین حقـوقی اسـت (افشـار، ۱۳۹۷: ۵۵–۵۲). همین مسئله سبب شد در نظام حقـوقی ایـران، اصـلی‌ترین روش تفسـیر قـوانین، تفسـیر قصدگرا جهت کشف ارادهٔ مقنن باشد. تفسیرهای متعدد شورای نگهبان از قانون اساسی و قضـات از قـوانین عادی مؤید این نظر است که مفسران قوانین در نظام حقوقی ایران، در جست‌وجوی قصد قانونگذارند. مـثلاً شورای نگهبان در نظریهٔ شمارهٔ ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ در پاسـخ بـه سـؤال رئیس‌جمهـور وقـت به‌صراحت اعلام کرده است که «مقصود از تفسیر، بیان اراده مقنن است» (فتحی و کوهی، ۱۳۹۷: ۱۰۵).

بر اساس نظریهٔ قصدگرایی، قانون ناشی از ارادهٔ نمایندگان مردم است. در این زمینه و در جهت حفظ آزادی‌ها و احترام به حاکمیت مردم، قضات و مجریان قانون صرفاً اجراکنندهٔ قوانین هسـتند و نمی‌تواننـد به میل خود برای اشخاص، حقوق یا تکالیفی را ایجاد کنند. پس می‌توان گفت قضـات و سـایر مفسـران قانون در هنگام تفسیر قـوانین بایـد بـه ارادهٔ قانونگـذار توجـه کننـد (کاتوزیـان، ۱۳۹۲: ۲۱۰)؛ از ایـن‌رو تفسیری مطلوب است که بتواند قصد قانونگذار را به‌درستی کشف کند. طبق این نظریـه، اصـل بـر ایـن است که با توجه به حکیم بودن قانونگذار، قانون دارای بیانی شفاف و منعکس‌کنندهٔ تمـام نظـرات مقـنن بوده و از ظاهر الفاظ آن می‌توان به مقصود مقنن دست یافـت (جاویـد و افشـار، ۱۳۹۷: ۴۸؛ نیکونهـاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴). در واقع طبق این نظر، حتی اگر نتوانستیم از متن قانون به مقصـود قانونگـذار پـی ببریم می‌بایست به مذاکرات اولیه زمان تصویب قانون رجوع کنند تا از آن طریق بتوانند مقصود مقـنن را کشف و فهم کنند (بهرامی، ۱۳۹۰: ۷۵).

علت تأکید بر ارادهٔ مقنن در قصدگرایی آن است کـه در صـورت بی‌تـوجهی بـه ارادهٔ وی در تفسـیر قانون و عدم تفسیر مطابق با قصد وضـع‌کنندگان قـانون، قـانون تفسیرشـده نمی‌توانـد ترجیحـات همـهٔ گروه‌های مؤثر در وضع قانون را تأمین کند و در نتیجه امکان پایداری و استمرار یک قـانون کـم خواهـد شد. مشکل روش قصدگرایی آن است که بـرای تفسـیر بایـد بـه دامنـهٔ گسـترده‌ای از اطلاعـات نظیـر ترجیحات، مقاصد طرفین هنگام وضع قانون و انتظارات آنان توجه کرد که این مسئله سـبب می‌شـود بـا توجه به نوع اطلاعات در دسترس تفاسیر مختلفی از قانون ارائه شود. با توجه به موارد مذکور مسئلهٔ مهم آن است که دادگاه‌ها و سایر مفسـران بـه چـه روشـی می‌بایسـت قـوانین و قراردادهـا را تفسـیر کننـد؟

(McCubbins, 1992: 709). بهترین راهکار برای حل مسئلهٔ یادشده، استفاده از رویکرد «نظریهٔ چانه‌زنی» است که در بخش بعد بررسی می‌شود.

۳. نظریهٔ چانه‌زنی

نظریهٔ چانه‌زنی در فرایند تصویب قانون نیز نقش دارد، زیرا ترجیحات و منافع گروه‌های مختلف سیاسی در مجالس قانون‌گذاری، نقش اصلی را در تصویب قوانین دارد، از این‌رو یکی از ابزارهای مهم و قابل اتکای تفسیر قصدگرای قانون، استفاده از نظریهٔ چانه‌زنی است و می‌توان با تفسیر ارادهٔ مقنن بر مبنای چانه‌زنی، ابهامات قانون را برطرف کرد. در تفسیر قصدگرای قانون، اغلب مشروح مذاکرات زمان تصویب، ملاک قرار می‌گیرد. با استفاده از نظریهٔ چانه‌زنی در تفسیر قصدگرا، هنگام بررسی مشروح مذاکرات، باید به ترجیحات و تمایلات گروه‌های سیاسی دخیل در وضع قانون نیز توجه کرد.

در تفسیر قانون به شیوهٔ قصدگرایی، دامنهٔ گسترده‌ای از اطلاعات نظیر ترجیحات، مقاصد طرفین هنگام وضع قانون و انتظارات آنان وجود دارد، از این‌رو یکی از مشکلات این روش تفسیر، مشخص نبودن اطلاعات اهمیت بیشتری دارد. پس باید مشخص شود که کدام نوع از اطلاعات باید ملاک قرار گیرد. یکی از راهکارهای موجود، استفاده از «نظریهٔ چانه‌زنی»[1] است. توضیح اینکه در صورت وجود تعارض میان ترجیحات گروه‌های مختلف، هر یک از طرفین مذاکرات، تلاش می‌کند که با استفاده از قدرت و مهارت چانه‌زنی خود، به بیشترین سود ممکن برسد (Schelling, 1956: 282).

این نظریه مفهومی شناخته‌شده در علم اقتصاد و نظریهٔ بازی[2] است. فرض کنید در یک معاملهٔ اقتصادی، فروشنده حداقل قیمت کالای الف را ۲۰ میلیون تومان اعلام کند. از طرف دیگر خریدار کالا برای خرید کالای الف قیمت ۳۰ میلیون تومان را در نظر داشته باشد. در این شرایط معامله با هر قیمتی بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان انجام شود، هر دو طرف معامله به نتیجهٔ مطلوب خود می‌رسند و سود می‌کنند؛ اما اگر خریداری در معاملهٔ کالای الف قیمت کمتری از ۲۰ میلیون تومان را مدنظر داشته باشد، خریدار و فروشنده برای انجام معامله وارد فرایندی می‌شود که چانه‌زنی نامیده می‌شود. در این فرض هر معامله‌ای که بین خریدار و فروشنده رخ دهد نتیجهٔ فرایند چانه‌زنی خواهد بود. این فرایند دو یا چند طرف دارد که هر یک از طرف‌های معامله را بازیگر[3] می‌نامیم (Muthoo, 2002: 1).

---

1. Bargaining Theory

۲. نظریهٔ بازی، مطالعهٔ نحوهٔ مدل‌سازی ریاضی رفتارها و راهبردهای تصمیم‌گیران عاقلی است که یک نتیجه را پدید می‌آورند (رحمتی و یوسفی، ۱۴۰۰: ۱۳). به بیان دیگر این نظریه به روشی اطلاق می‌شود که با استفاده از ابزارهای ریاضی تصمیم‌گیری‌های مرتبط با یکدیگر را بررسی و تحلیل می‌کند تا در این راستا بتواند رفتارهای سایر بازیگرها را پیش‌بینی کند و با توجه به رفتار آنان بهترین اقدام را پیشنهاد دهد (Maschler *et al*., 2013: xxiii).

3. Player

چانه‌زنی علاوه بر توضیح مفهوم عرضه و تقاضا در علم اقتصاد، در حقوق نیز کاربرد دارد. یکی از کاربردهای چانه‌زنی در حقوق، بررسی چانه‌زنی در فرایند تصویب قانون و بین قانونگذاران است (Cooter & Gilbert, 2022: 11). در اقتصاد، پول و ارزش مادی یک کالا موضوع چانه‌زنی است، اما در حقوق و به‌خصوص حقوق عمومی چانه‌زنی در تبادل آرا جهت تصویب قانون مطرح می‌شود. هنگام تصویب قانون، بازیگرهای مختلف قانونی مانند نمایندگان مجلس قانونگذاری امکان تغییر آرای خود بر اساس موقعیت‌های مختلف را دارند و بر این مبنا به چانه‌زنی می‌پردازند (Cooter & Gilbert, 2022: 17-19). با توجه به موارد مذکور هر قانونی را می‌توان حاصل چانه‌زنی گروه‌های مختلف سیاسی مانند احزاب یا سایر تشکل‌های سیاسی دانست که در جریان تصویب قانون در تمامی مراحل اعم از تهیهٔ پیش‌نویس، تصویب پیش‌نویس و تصویب متن نهایی قانون نقش داشته‌اند. یک قانون در صورتی پایدار خواهد ماند که نمایندگان مجلس بتوانند پس از چانه‌زنی موفق منافع تمامی یا اکثریت گروه‌های ذی‌نفع در قانون را تأمین کنند (Cooter & Gilbert, 2022: 11). البته این نکته را نیز باید توجه داشت که با توجه به نظریهٔ «نمایندگی به‌مثابهٔ رابطهٔ اصیل–عامل»[1] و نظریهٔ «نمایندگی به‌مثابهٔ امانت»[2] و نظر برخی فقها مبنی بر نمایندگی به‌مثابهٔ وکالت یا مالکیت مشاع، با عنایت به اینکه نماینده در راستای منافع افرادی که به او رأی داده‌اند عمل می‌کند، در این فرض تأمین خواست گروه‌های ذی‌نفع در تصویب قانون با منافع افرادی که به آن گروه‌ها رأی داده‌اند، همپوشانی دارد و به‌عبارت دیگر تأمین منافع گروه‌های ذی‌نفع مساوی با تأمین منافع مردم خواهد بود (خسروی، ۱۳۹۷: ۱۷۸–۱۷۹؛ حبیب‌نژاد و عامری، ۱۳۹۶: ۷۰؛ حائری یزدی، ۱۳۹۵: ۱۳۲؛ میرحسینی و صادق پور، ۱۳۹۵: ۱۵۲؛ Vieira & Runciman, 2008: 66).

هنگام تصویب قانون، دو نوع بازی اصلی و به‌تبع آن دو رویکرد چانه‌زنی، قابل تصور است؛ اولین نوع بازی در هنگام تصویب قانون، «بازی با جمع صفر»[3] است. در این نوع بازی، پیروزی یک شخص به معنای شکست شخص دیگر است و یک شخص یا تمام منابع را به‌دست می‌آورد یا تمامی منابع را از دست می‌دهد (فرجی ۱۳۸۴: ۳۳۷). این نوع بازی در فرایند تصویب قانون نیز نقش دارد. گاهی ویژگی‌های قانون به نحوی است که نمی‌توان هنگام تصویب آن، منافع تمامی نمایندگان را تأمین کرد. در این شرایط، در چانه‌زنی یکی یا چند نمایندهٔ برنده وجود دارد و امکان تأمین منافع سایرین وجود ندارد. برای مثال در تصویب قانون جهت تأمین بودجهٔ یک پروژهٔ خاص، سه نماینده که دارای قدرت تصمیم‌گیری در این خصوص هستند، خود متقاضی دریافت بودجه نیز می‌باشند. در این بازی گروهی از نمایندگان همهٔ منافع را به‌دست می‌آورند و نمایندگان دیگر همهٔ منافع را از دست می‌دهند. در فرایند

1. Representation as a Principle-Agent Relation
2. Representatives as Trust
3. Zero- Sum

تصویب قانون مذکور، ۱۰۰ میلیون بودجه و سه نماینده داریم که می‌خواهیم بودجه را بـه یـک یـا چنـد نماینده (الف، ب، ج) اختصاص دهیم. هنگام بررسی ترجیحات اولیهٔ نمایندگان، نمایندهٔ اول موافـق اسـت که بودجه به این شکل (۱۰۰، ۰،۰) تخصیص داده شود. نمایندهٔ دوم ترجیح می‌دهد که بودجه بـه شـکل (۰، ۱۰۰، ۰) تخصیص پیدا کند و نمایندهٔ سوم نیز می‌خواهد که بودجه به شـکل (۰، ۰، ۱۰۰) تخصـیص یابد. تحقق فروض اخیر محال است، زیرا برای تصویب بودجـه نیـاز بـه آرای اکثریـت اسـت و هیچ‌گـاه نمایندگان دیگر، حاضر به تصویب کل بودجه بـه نماینـدهٔ رقیـب نمی‌شـوند. از ایـن‌رو هـر یـک از ایـن نماینده‌ها برای اینکه بتواند به نتیجهٔ مطلوب خود برسد، دو رأی از سه رأی را نیاز دارند. در ایـن شـرایط یک فرض آن است که بودجه به شکل مساوی میان نمایندگان (۳۳، ۳۳، ۳۳) تقسیم شود؛ اما این فرض محتمل نیست، زیرا بودجه با اکثریت آرا به تصویب می‌رسد و نیازی به اتفاق آرا وجود نـدارد. لـذا دلیلـی ندارد که نمایندگان دارای اکثریت، نمایندهٔ دیگر را نیز در بودجه سهیم کنند. از این‌رو در فرایند چانـه‌زنی نفر اول به نفر دوم پیشنهاد می‌دهد که با حذف نفـر سـوم، نفـر اول و دوم هرکـدام ۵۰ میلیـون بودجـه دریافت کنند و نفر سوم هیچ بودجه‌ای دریافت نکند (۵۰، ۵۰، ۰). البته باید توجه داشت که ممکن اسـت فرایند چانه‌زنی میان نمایندگان طولانی شود و هر کدام تلاش کنند نظر نمایندهٔ دیگر را با چانه‌زنی جلب نمایند. در فرض اخیر، نفر سوم ممکن است به نفر اول پیشنهاد دهد که نفر اول ۷۵ میلیون و نفـر سـوم ۲۵ میلیون دریافت کند و نفر دوم هیچ بودجه‌ای دریافت نکند (۷۵، ۰، ۲۵). همچنین ممکن است با ورود نفر دوم و جلب نظر یکی از طرفین مجدداً نحوهٔ تخصیص بودجه تغییـر کنـد و ایـن بـازی هیچ‌گـاه بـه سرانجام نرسد. برای حل این موضوع، به‌طور معمول باید مـدت زمـان مشخصـی بـرای تصـویب قـانون مشخص شود تا ظرف آن قانون تصویب شود. در صورت عدم تصمیم‌گیری در مدت زمان مشخص‌شـده، موضوع به تصویب نمی‌رسد. از این‌رو در فرض اخیر اگر سه نماینده نتوانند در زمان مشـخص بـه توافـق برسند، تخصیص بودجه به همهٔ آنها منتفی می‌شود (Cooter & Gilbert, 2022: 12)

نوع دیگری از بازی‌ها، «بازی همکارانه»[1] است. در این نوع بازی تمامی بازیکنان باید بـرای رسـیدن به نتیجهٔ مطلوب با یکدیگر مشارکت داشته باشند. در غیر این صورت هیچ‌کـدام از بازیکنـان بـه نتیجـهٔ مطلوب خود نخواهند رسـید (Thomson, 1994: 1238). بـرای مثـال در خصـوص عـرض قطارهـای مسافربری، شرکت‌های مختلف تولید واگن قطار می‌بایست با یکدیگر و با دولت جهت تـدوین آیین‌نامـهٔ مربوط به میزان عرض مناسب قطارها و به‌تبع آن ریل قطار به تفاهم مشترک برسند. در غیر این صورت ممکن است واگن‌های تولیدی شرکت‌های مختلف قابلیت استفاده در خطوط ریلی را نداشته باشد کـه در این شرایط از یک طرف واگن‌های تولیدی قابل استفاده نخواهد بود که شرکت‌های تولید ضرر می‌کنند و

1. Cooperative game

از طرف دیگر نیز به‌علت عدم امکان استفاده از ریل‌های قطار، دولت امکان بهره‌برداری و استفاده از مزایای راه‌آهن را نخواهد داشت (Cooter & Gilbert, 2022: 12-13). شایان یادآوری است این نوع بازی به‌علت ماهیت خاص قوانین که در هنگام تصویب هر یک از نمایندگان به‌دنبال تأمین منافع گروه خود هستند کاربرد زیادی در مصادیق قانونی ندارد ولی با وجود این برخی مصادیق را می‌توان در این چارچوب تصور کرد (Flores Borda, 2011: 5).

۴. روش تفسیر قصدگرای با استفاده از نظریهٔ چانه‌زنی

یکی از دلایل ایجاد قانون، جلوگیری از آرا و رفتارهای مشتت و برقراری نظم در جامعه است. در هر جامعه‌ای، گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، دارای ترجیحات متضاد و متفاوتی‌اند که این امر به تشتت آرا و رفتارهای مختلف منجر می‌شود. درحالی‌که ادارهٔ جامعه و برقراری نظم، نیازمند ثبات و پایداری در جامعه است. به همین دلیل، با تصویب قانون یک رویهٔ مشخص ایجاد می‌شود که همهٔ اشخاص جامعه صرف‌نظر از نظر و منافع خود باید از آن تبعیت کنند. در واقع اشخاص و گروه‌های مختلف باید تلاش کنند که منافع و نظرهای آنها در هنگام تصویب قانون تأمین شود. در این شرایط نیاز است افراد هنگام تصویب قانون، وارد فرایندی به نام چانه‌زنی شوند تا منافع آنها در قانون تأمین شود.

برای استفاده از چانه‌زنی در تصویب قانون، دو هدف اصلی وجود دارد؛ اول: با وجود پیچیدگی‌های متصور در فرایند تصویب قانون، بتوان منافع و ترجیحات متضاد میان گروه‌های سیاسی و اجتماعی مختلف را مدیریت کرد که در نهایت به ثبات و وحدت رویه در جامعه رسید؛ دوم: مردم در انتخابات در راستای ترجیحات خود نمایندگان را برای تصویب قانون، انتخاب می‌کنند و این نمایندگان از این طریق، در زمان تصویب قانون می‌توانند ترجیحات و خواسته‌های مردم را محقق سازند (McCubbins, 1992: 713-714).

برای تحقق هدف اول مبنی بر ایجاد وحدت رویه در جامعه علی‌رغم وجود نظرهای متعارض، باید پیگیری ترجیحات فردی و گروهی را تنها در مرحلهٔ پیش از تصویب قانون مجاز دانست. هنگام بررسی و تصویب قانون، گروه‌های مختلف برای رسیدن به اهداف خود چانه‌زنی انجام می‌دهند، اما پس از تصویب قانون، آن را باید قانون مورد قبول گروه‌های مختلف، پذیرفت؛ از این‌رو پس از تصویب قانون، نظریهٔ چانه‌زنی وجود ندارد. در غیر این صورت، به‌دلیل تغییر منافع بازیگران تصویب قانون و پایدار نبودن نتایج چانه‌زنی میان آنها، همواره قوانین در معرض تغییر و تحول قرار می‌گرفت. تنها در صورتی می‌توان قانون را تغییر داد که تشریفات تصویب قانون جدید انجام پذیرد. البته با توجه به فرایند پیچیدهٔ قانونگذاری جدید، امکان اصلاح قانون، پس از تصویب آن دشوار است. به همین دلیل، ثبات قانون و چانه‌زنی‌های انجام‌شده در زمان تصویب آن، حفظ می‌شود (McCubbins, 1992: 714).

به‌منظور تحقق هدف دوم مبنی بر رعایت منافع و حقوق مردم توسط نمایندگان، راه‌های مختلفی وجود دارد؛ اولاً مردم می‌توانند در دورهٔ نمایندگی، عملکرد نماینده را بررسی کرده و در پایان دورهٔ نمایندگی با رأی مجدد یا عدم رأی به نمایندهٔ مربوطه نظر خود را نسبت به عملکرد نماینده اعلام کنند (حبیب‌نژاد و عامری، ۱۳۹۴: ۶۸). می‌توان قوانین داخلی یا آیین‌نامه‌های را وضع کرد که نمایندگان ملزم شوند که هنگام قانونگذاری در چارچوب منافع و ترجیحات مردم عمل کنند و از آن خارج نشوند. در واقع قانون می‌تواند دستورالعملی برای نحوهٔ عملکرد نمایندگان در چانه‌زنی و وضع قانون مشخص سازد (McCubbins, 1992: 714).

در مجموع، یکی از ابزارهای مهم و قابل‌اتکای تفسیر قصدگرای قانون، استفاده از نظریهٔ چانه‌زنی است و می‌توان با تفسیر ارادهٔ مقنن بر مبنای چانه‌زنی، ابهامات قانون را برطرف کرد. در تفسیر قصدگرای قانون، اغلب مشروح مذاکرات زمان تصویب آن، ملاک قرار می‌گیرد. با استفاده از نظریهٔ چانه‌زنی در تفسیر قصدگرای، هنگام بررسی مشروح مذاکرات، باید به ترجیحات و تمایلات گروه‌های سیاسی دخیل در وضع قانون توجه کرد.

مهم‌ترین مسئله‌ای که در خصوص استفاده از نظریهٔ چانه‌زنی در تفسیر قصدگرای قانون وجود دارد، «شناسایی بازیگران مؤثر قانونی» است. با توجه به دخالت گروه‌های مختلف و مشخص نبودن دقیق مواضع آنها، استفاده از این رویکرد در تفسیر قصدگرای قانون، با دشواری‌هایی روبه‌روست؛ از این‌رو برای اعمال نظریهٔ چانه‌زنی در تفسیر قوانین و کشف ارادهٔ قانونگذار، باید مشخص شود که گروه‌های مؤثر در تصویب قانون چه گروه‌هایی هستند؟ و تأثیر هر یک از گروه‌های مذکور در تفسیر و کشف ارادهٔ قانونگذار به چه میزان است؟ در بخش بعد به این موضوع پرداخته می‌شود.

۵. بازیگران مؤثر قانونی در استفاده از نظریهٔ چانه‌زنی

به‌منظور ارائهٔ تفسیر مناسب از قصد قانونگذار و چانه‌زنی‌های مؤثر در فرایند تصویب قانون نیاز است بازیگران مؤثر قانونی را شناسایی کنیم. منظور از بازیگران مؤثر قانونی، بازیگرانی هستند که از نظر قانون اساسی یا قانون عادی هر کشور، در قسمتی از فرایند تصویب قانون اعم از تهیهٔ پیش‌نویس، تصویب قانون و تأیید قانون نقش دارند. از این حیث، دو مرحلهٔ اصلی وجود دارد: در مرحلهٔ اول، باید «تعیین بازیگران مؤثر قانونی» در زمان تصویب قانون انجام شود. اشخاص و گروه‌های مختلفی یا متعددی در تصویب قانون دخیل‌اند؛ اما به‌منظور استفاده از نظریهٔ چانه‌زنی، نظرهای همهٔ آنها ملاک قرار نمی‌گیرد؛ از این‌رو باید اشخاص مؤثر را مشخص کرد و نظریات آنها را در زمان تصویب قانون مورد توجه قرار داد (Cooter & Gilbert, 2022: 46).

در خصوص «ساختار و فرایند قانون‌گذاری» هر کشور، باید شخصیت‌ها و گروه‌های مؤثر در تصویب قانون را پیدا کرد. با توجه به الزامات تفکیک قوا و نظارت و تعادل در هر حکومتی، ممکن است اشخاص خاصی در تصویب قانون مؤثر باشند. در این روش، باید به فرایندها و رویه‌های تصویب قانون از جمله فرایندهای عمومی یا ویژهٔ قانون تصویب‌شده توجه کرد. بر این مبنا برخی اشخاص یا گروه‌ها، در تهیهٔ پیش‌نویس قانون یا جلب نظر سایر گروه‌ها نقش کلیدی دارند. برای مثال در رویهٔ قانونگذاری کشوری، اگر مجلس قانونگذاری حق اصلاح پیش‌نویس ارائه‌شده توسط کمیسیون‌های داخلی مجلس را نداشته باشد، در این صورت اعضای کمیسیون‌های داخلی، نقش کلیدی در تصویب قانون دارند. در مقابل، اگر امکان اصلاح مفاد پیش‌نویس در صحن مجلس وجود داشته باشد، نمایندگان دارای اکثریت هنگام تصویب قانون نقش کلیدی دارند (Cooter & Gilbert, 2022: 46-47).

گاهی ممکن است حتی یک نفر در تصویب قانون نقش داشته باشد، در این شرایط نیز باید به ترجیحات او در هنگام تصویب قانون توجه کرد. در ایالات متحدهٔ آمریکا، رئیس‌جمهور با حق وتوی خود نقش مؤثر و غیرتشریفاتی در تصویب یا رد یک قانون دارد و بر این مبنا کنگرهٔ آمریکا هنگام تصویب قانون به نظریات رئیس‌جمهور نیز توجه خواهد کرد. در نتیجه، مفسران نیز هنگام تفسیر قصد قانونگذار باید به ترجیحات و نظریات رئیس‌جمهور آمریکا نیز توجه کنند. البته گاهی رئیس‌جمهور در فرایند تصویب قانون قدرت چانه‌زنی ندارد. اگر پس از وتوی رئیس‌جمهور، کنگره با دوسوم آرا قانون وتوشده را تصویب کند، قانون لازم‌الاجرا خواهد بود. همچنین در مرحلهٔ تهیه و تأیید پیش‌نویس قانون، رئیس‌جمهور قدرت چانه‌زنی ندارد، زیرا کنگره می‌تواند پیش‌قانون را تصویب نکند یا اصلاحاتی در آن انجام دهد. در این شرایط طبعاً نظر رئیس‌جمهور یکی از ارکان کشف قصد قانونگذار هنگام تفسیر قانون نخواهد بود، زیرا او در نقشی در تصویب قانون یا تهیهٔ پیش‌نویس نداشته است. در نتیجه می‌توان گفت تئوری تفسیری که ترجیحات رئیس‌جمهور آمریکا را در هنگام کشف قصد قانونگذار به‌کلی لحاظ نکند مردود است (Cooter & Gilbert, 2022: 46-47) یا برای نمونه مطابق قانون اساسی ایران، قانون یا به‌صورت لایحه از طرف دولت یا به‌صورت طرح از جانب کمیسیون‌های مجلس به صحن علنی می‌رود. در این شرایط پس از تصویب، قانون مذکور جهت تأیید به شورای نگهبان ارسال می‌شود. درصورتی‌که شورای نگهبان قانون را مخالف شرع یا قانون اساسی تشخیص نداد، قانون را تأیید و در غیر این صورت قانون را با ذکر دلایل به مجلس برمی‌گرداند. مجلس شورای اسلامی نیز یا اصلاحات مدنظر شورای نگهبان را اعمال می‌کند یا وجود قانون را به مصلحت کشور می‌داند، از این‌رو بر مصوبهٔ خود اصرار می‌ورزد و موضوع را به‌منظور تعیین تکلیف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع می‌دهد. مجمع تشخیص مصلحت نیز یا قانون را به مصلحت کشور می‌داند و آن را تصویب می‌کند یا آن را رد می‌کند. در این شرایط با توجه به بررسی قانون در هر یک از مراحل می‌توان بازیگرهای مختلفی را در نظام حقوقی ایران متصور بود و نظریات تمامی این

افراد و نهادها را مؤثر در تفسیر قانون دانست و نظریه یا روشی که به ترجیحات و نظریات هر یک از این گروه‌ها توجهی نکند، نمی‌تواند تفسیر مناسبی از قانون ارائه کند.

پس از تعیین بازیگران مؤثر قانونی، در مرحلهٔ دوم باید به «تعیین میزان تأثیر بازیگران قانونی» پرداخت. در واقع سؤال این است که آیا باید هنگام تصویب قانون به ترجیحات تمامی گروه‌ها به یک اندازه توجه کرد؟ ترجیحات کدام گروه از موافقان تصویب یک قانون، وزن بیشتری هنگام تفسیر قانون دارد؟

رویکرد غالب آن است که ترجیحات و مواضع «گروه‌های اکثریت موافق وضع قانون» مدنظر قرار بگیرد، از این‌رو قانون بر اساس مواضع شخصیت‌های کلیدی مؤثر در وضع قانون تفسیر می‌شود. در این صورت، با ملاک قرار دادن مواضع گروه اکثریت، گروه‌های اقلیت نادیده گرفته می‌شوند. باید توجه داشت که گروه‌های اقلیت با اخذ امتیازاتی از گروه‌های اکثریت، مجاب به حمایت از تصویب قانون شده‌اند. برای مثال هنگام وضع قانون در یک مجلس ۱۰۰ نفره، ۴۶ نفر موافق تصویب قانون، ۴۴ نفر مخالف تصویب آن و ۱۰ نفر ممتنع هستند. در این شرایط هر یک از گروه‌های ذی‌نفع در تلاش است که به‌منظور تصویب یا عدم تصویب قانون گروه ده‌نفره را مجاب کنند. ممکن است گروه ده‌نفره با گرفتن امتیازاتی به گروه موافق تصویب قانون بپیوندد. در این صورت، وفق رویکرد مذکور، هنگام تفسیر قانون ترجیحات گروه اکثریت (۴۶ نفره) ملاک قرار می‌گیرد. البته باید توجه داشت که این گروه بدون حمایت گروه اقلیت (ده‌نفره) توانایی تصویب قانون در مجلس را نداشت و به اهداف خود پس از تصویب قانون نمی‌رسید. پس می‌توان گفت در تفسیر قانون، مواضع اولیهٔ گروه اکثریت نباید ملاک اصلی تفسیر قانون باشد، زیرا آنها برای تصویب قانون و اخذ موافقت گروه اقلیت، مجبور به پذیرش تغییرات مدنظر گروه اقلیت در مواضع خود شده‌اند. از این‌رو با عنایت به موارد مذکور گروه اقلیت نیز نقش کلیدی در تصویب قانون دارد و باید هنگام تفسیر قانون به ترجیحات این گروه نیز توجه شود (Cooter & Gilbert, 2022: 46-47). با توجه به آنچه گفته شد در مجموع نظرها و منافع گروه اکثریت و اقلیت باید در تفسیر قانون مورد توجه قرار گیرد. حتی به‌نظر می‌رسد در شرایطی، نظرهای گروه اقلیت باید تأثیری بیشتری از گروه اکثریت در تفسیر قانون داشته باشد. باید توجه داشت که اکثریت موافق برای تصویب قانون نیازمند نظر اقلیت هستند. از این‌رو برای جلب اقلیت در مواردی که نظر ایشان با گروه اقلیت در تعارض است، از مواضع خود عقب‌نشینی می‌کنند تا بتوانند قانون مذکور را تصویب کنند. بنابراین اکثریت در زمان تصویب قانون برای رسیدن به اهداف مدنظر خود، مجبور به قبول نظر اقلیت می‌شوند و در نتیجه در مواردی که در تفسیر قانون بین نظر گروه اکثریت و اقلیت تعارضی رخ دهد، تفسیر قانون باید نظر اقلیت ملاک قرار گیرد.

در ادامه، رویکرد نظام حقوقی ایران در خصوص بازیگران مؤثر قانونی در استفاده از نظریهٔ چانه‌زنی، مورد مداقه قرار می‌گیرد.

۵. ۱. نحوهٔ اعمال در نظام حقوقی ایران

روش تفسیر قصدگرای بر مبنای نظریهٔ چانه‌زنی در حقوق ایران نیز رهگشاست. اصل ۲۷ قانون اساسی اشعار می‌دارد: «تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به‌شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است». در خصوص اصل ۲۷ قانون اساسی سؤالی که وجود دارد این است که آیا برگزاری راهپیمایی‌ها و تجمعات در سطح کشور نیاز به «اخذ مجوز از نهادهای ذی‌ربط یا اطلاع قبلی» را دارد یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش اصل ۲۷ موضوع را مسکوت گذاشته است و به همین علت صرفاً با توجه به ظاهر اصل نمی‌توان برداشت خاصی از آن داشت. به‌منظور تفسیر این اصل، برخی حقوق‌دانان معتقدند که با توجه به احتمال ورود لطمه به نظم عمومی و عبور و مرور آزاد مردم، برای رعایت احتیاط در این زمینه و تأمین امنیت اجتماعات، باید از مقامات مربوط مجوز اخذ شود (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۹۹: ۱۵۲). همچنین برخی دیگر با وجود پذیرش اخذ مجوز از مقامات مسئول، تجمعات در مکان‌های خصوصی و منازل را منوط به رعایت این اصل نمی‌دانند و بنا به نظر ایشان تجمعات و گردهمایی‌ها در منازل مسکونی پیرو آزادی‌های شخصی و مصونیت‌ناپذیری مسکن است (طباطبایی مؤتمنی ۱۳۹۸: ۹۱-۹۲).

در مجموعه تفسیرهای شورای نگهبان نیز تفسیر خاصی از این اصل ارائه نشده، اما در قوانین عادی و آیین‌نامه‌ها شرایط خاصی برای راهپیمایی‌ها و تجمعات ذکر شده است. برای مثال در بند «خ» مادهٔ ۱۳ «قانون نحوهٔ فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» مصوب ۱۳۹۵ برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌های احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی را منوط به اخذ مجوز از وزارت کشور و کمیسیون احزاب کرده است. در خصوص این بند با توجه به مشروح مذاکرات این قانون در زمان بررسی در مجلس شورای اسلامی، با اینکه تعدادی از نمایندگان با اخذ مجوز مذکور مخالفت کرده‌اند، استدلال این گروه از نمایندگان بر این اساس بوده است که اولاً قانون اساسی راهپیمایی‌ها و تجمعات را منوط به اخذ مجوز نکرده است و ثانیاً با توجه به ماهیت و نوع فعالیت احزاب که عمدهٔ فعالیت آنان مبتنی بر برگزاری تجمعات است، اخذ مجوز سبب می‌شود که عملاً امکان فعالیت مستمر احزاب از آنان سلب شود و آنان برای هر تجمع و برنامهٔ خود به دریافت مجوز از نهادهای ذی‌ربط نیاز داشته باشند؛ اما در نهایت با توجه به نظر مثبت دولت و نظر منفی کمیسیون مربوط بر حذف قید اخذ مجوز، با آرای نمایندگان قید اخذ مجوز حذف نشد و راهپیمایی‌ها و تشکیلات اجتماعات منوط به اخذ اطلاع و اخذ مجوز از وزارت کشور و کمیسیون احزاب شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴: ۵-۷). علاوه بر این در آیین‌نامهٔ اجرایی مادهٔ ۱۳«قانون نحوهٔ فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» مصوب ۱۳۹۷ جزئیات اخذ مجوز از کمیسیون مربوط بیان شده است.

به‌منظور رفع ابهام از اصل ۲۷ قانون اساسی، می‌توان از تفسیر قصدگرای مبتنی بر نظریهٔ چانه‌زنی استفاده کرد. در این زمینه باید ابتدا به شخصیت‌های کلیدی در تصویب پیش‌نویس اصل و خود اصل توجه شود:

شخصیت‌های کلیدی پیش‌نویس اصل را می‌توان تدوین‌کنندگان پیش‌نویس قانون اساسی و همچنین گروه مربوط به حقوق ملت و نظارت عمومی (امر به معروف و نهی از منکر) در مجلس خبرگان قانون اساسی دانست. همچنین در تصویب اصول می‌توان نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی و در نهایت مردم را که به اصول قانون اساسی رأی دادند، شخصیت‌های کلیدی دانست. در مجلس خبرگان قانون اساسی به‌علت اینکه هنوز گروه‌های سیاسی به‌صورت کامل شکل نگرفته بود، نمی‌توان نظرهای گروه‌های مختلف را همان‌گونه که در تفسیر قبلی اشاره شد بررسی کرد؛ اما باید در تفسیر اصول به نظریات افراد مختلف توجه کرد. در تصویب اصل ۲۷ قانون اساسی سه گروه وجود داشتند؛ گروه اکثریت و موافق تصویب، گروه اقلیت مخالف تصویب اصل ۲۷ و گروه اقلیت مؤثر که در صورت رعایت مواردی موافق تصویب اصل ۲۷ خواهند بود. همچنین طبق مادهٔ ۷ آیین‌نامهٔ داخلی مجلس خبرگان قانون اساسی تعداد افراد لازم جهت تصویب هر اصل از قانون اساسی دوسوم کل اعضای مجلس دوسوم کل نمایندگان به تعداد ۴۹ نفر است.

در پیش‌نویس اولیهٔ قانون اساسی این اصل به این شکل ذکر شده بود: «تشکیل اجتماعات مسالمت‌آمیز آزاد است و مقررات مربوط به اجتماع و راهپیمایی در خیابان‌ها و میدان‌های عمومی به‌موجب قانون معین خواهد شد». این اصل در جلسهٔ بیست‌وششم مجلس خبرگان قانون اساسی مطرح شد، اما به‌علت وجود واژهٔ مسالمت‌آمیز که بنا به نظر نمایندگان واژه‌ای کش‌دار است و امکان سوءاستفاده از آن وجود دارد، جلسه بدون رسیدن به نتیجه‌ای در این خصوص به پایان رسید و اصل به گروه مرتبط با حقوق ملت و نظارت عمومی (امر به معروف و نهی از منکر) ارجاع شد (ادارهٔ کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ۶۸۳–۶۸۵). در گروه مربوطه با حذف واژهٔ مسالمت‌آمیز اصل ۲۷ به شرح «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی آزاد است، مقررات مربوط به راهپیمایی و اجتماع در خیابان‌ها و میدان‌های عمومی به موجب قانون معین خواهد شد»، به مجلس خبرگان قانون اساسی پیشنهاد شد. در بررسی اصل پیشنهادی کمیسیون، اصل مذکور به‌علت فقدان قید مخالف اسلام نبودن راهپیمایی‌ها و تجمعات مورد انتقاد قرار گرفت. پس از صحبت‌های انجام‌شده اصل ۲۷ به شکل اصل پیشنهادی کمیسیون به رأی گذاشته شد که در نهایت ۳۴ رأی آورد. با وجود انتقادات شرط مخالف اسلام و امنیت بودن به اصل مذکور اضافه شد و در پایان جلسه اصل مذکور به‌صورت «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی به‌شرط آنکه بر ضد اسلام و امنیت نباشد، آزاد است و مقررات مربوط به نظم راهپیمایی و اجتماع در خیابان‌ها و میدان‌های عمومی به موجب قانون مشخص می‌شود»، به رأی گذاشته شد که در نهایت در پایان جلسه با کسب صرفاً ۴۲ رأی موافق به‌علت عدم کسب آرای کافی اصل ۲۷ رد و مجدداً به گروه مربوط ارجاع شد.

در این برهه اکثریت نمایندگان مجلس با اصل مذکور به آن شکل موافق بودند، ولی به‌علت نظر برخی اقلیت‌های مؤثر در تصویب قانون و کم بودن ۷ رأی اصل مذکور رأی نیاورد. بر اساس نظر رئیس

مجلس خبرگان قانون اساسی، علت مخالفت با این اصل وجود قیودی در اصل بوده است که در عمل ممکن است سبب بی‌معنا شدن اصل مذکور گردد (ادارهٔ کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ۷۱۰-۷۲۱).

پس از بررسی مجدد گروه، اصل به این شکل اصلاح شد: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها و اجتماعات مسالمت‌آمیز بدون حمل سلاح و با اطلاع و اعلام قبلی به‌شرط آنکه مخل امنیت و مخالف مبانی اسلام نباشد آزاد است». این اصل پیشنهادی نیز به‌دلیل وجود ابهام در واژهٔ مسالمت‌آمیز با ۴۵ رأی تصویب نشد (ادارهٔ کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ۱۷۶۰-۱۷۶۱). در نهایت و در جلسهٔ شصت‌وپنجم مجلس خبرگان قانون اساسی اصل مذکور با حذف واژهٔ مسالمت‌آمیز و حذف اطلاع قبلی مسئولان به‌صورت «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی بدون حمل سلاح، به‌شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است» تصویب شد. آنچه از متن مشروح مذاکرات قانون اساسی برداشت می‌شود این است که «اطلاع قبلی» به‌دلیل اینکه امکان اطلاع تمامی تجمعات مانند روضه به مسئولان وجود ندارد، حذف شد (ادارهٔ کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ۱۷۹۷-۱۷۹۸).

حال با توجه به موارد مذکور آیا بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی، جهت برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها نیاز به اخذ مجوز از مراجع قانونی و اطلاع قبلی وجود دارد یا خیر؟

در زمان تصویب این اصل، گروه اکثریت موافقان تمایل داشتند که «اطلاع و اعلام قبلی» جزو شرایط اصل ۱۳۷ قانون اساسی ذکر شود. از این‌رو اصل را با همین قید، به رأی‌گیری گذاشتند. پس از رأی‌گیری اصل ۲۷ با ۴۵ رأی تصویب نشد. در واقع اکثریت موافق جهت تصویب اصل نیازمند جلب نظر اقلیت بودند. اقلیت تنها در صورتی با این اصل موافقت می‌کرد که قید «اطلاع و اعلام قبلی» از آن حذف شود. در نتیجه اکثریت موافق برای تصویب اصل، نظر اقلیت را پذیرفتند و جهت تصویب این اصل به‌ناچار اصل را به شکلی بازنویسی کردند که نظر آن اقلیت مؤثر نیز تأمین شود. در نهایت اصل بدون قید «اطلاع و اعلام قبلی» با ۵۱ رأی تصویب شد. اگرچه اکثریت نمایندگان با نظر گروه اقلیت مخالف بودند، اما به‌منظور تصویب این اصل به‌ناچار اصل را به شکلی بازنویسی کردند که نظر اقلیت مؤثر تأمین شود. از این‌رو اگر قید مذکور در اصل باقی می‌ماند، این اصل به تصویب نمی‌رسید و نظر وضع‌کنندگان این اصل بر عدم ضرورت «اطلاع و اعلام قبلی» بوده است. بنابراین می‌توان گفت که مشروط شدن برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها به «اخذ مجوز از مراجع قانونی یا اطلاع قبلی» مخالف قصد مقنن و چانه‌زنی‌ها هنگام تصویب قانون است.

یکی از مشکلات این نظریه که بی‌شک صاحب‌نظران حقوق عمومی به آن اشاره می‌کنند، آن است که در نظام حقوقی ایران فرایند پیشنهاد و آماده‌سازی متن قانون چندان مرئی نیست. این در حالی است که در این روش تفسیری باید پیش‌نویس و مشروح مذاکرات زمان تصویب قانون موجود باشد تا مفسر از

آن طریق نسبت به دسته‌بندی گروه‌های مختلف سیاسی و هدف هر یک از آنان از تفسیر قانون، آگاه شود و در نهایت بر اساس قصد مقنن، قانون را تفسیر کند. در پاسخ به این ایراد باید گفت که اولاً پیشنهاد می‌شود که انتشار مشروح مذاکرات قوانین به شکل گسترده‌تر و همانند نظام‌های حقوقی دیگر در ایران نیز صورت گیرد؛ ثانیاً مذاکرات و فرایند تصویب قوانین در ایران تا حدی در دسترس است و این‌گونه نیست که هیچ اطلاعاتی در خصوص تصویب قوانین منعکس نشود. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، با انتشار صورت مشروح مذاکرات مجلس گام مؤثری را در این زمینه برداشته است. هر لایحه یا طرحی در فرایند تصویب در معرض بحث و بررسی در خود مجلس (کمیسیون‌ها، مرکز پژوهش‌ها و غیره) قرار می‌گیرد. همچنین مشروح مذاکرات مجلس در رسانهٔ ملی پخش می‌شود و مستندات آن در سایت کتابخانهٔ ملی و سایت مجلس قابل دسترسی است که از این طریق می‌توان به چانه‌زنی‌های فی‌مابین جهت تصویب قانون و در نهایت به قصد مقنن پی برد. ایراد دیگری که ممکن است توسط صاحب‌نظران حقوقی در خصوص اعمال این نظریه در نظام حقوقی ایران مطرح شود، آن است که برای اعمال این نظریه، باید در فرایند تصویب قانون احزاب مختلفی دخالت داشته باشند، اما در ایران احزاب جایگاه مهمی در وضع قوانین ندارند. در پاسخ باید گفت که اگرچه که احزاب به‌صورت سازمان‌یافته، در مجلس شورای اسلامی حضور ندارند، اما بی‌شک احزاب سیاسی، جناح‌ها و گرایش‌های مختلف که در مجلس نماینده دارند، در تصویب قانون مؤثرند و از طریق مشروح مذاکرات قانونی می‌توان به نظرها و گرایش‌های متفاوت نمایندگان پی برد. با این حال، در مثال مذکور با توجه به اینکه گرایش‌های سیاسی نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی کاملاً مشخص نبوده است؛ اما با استفاده از تفسیر قصدگرا مبتنی بر نظریهٔ چانه‌زنی و توجه به مشروح مذاکرات قانون اساسی و آرای نمایندگان آن مجلس، ابهام اصل ۲۷ قانون اساسی مرتفع شد. در نهایت باید توجه داشت که تا به حال در آثار پژوهشی فارسی به این نظریه به‌عنوان روش نوین تفسیر قوانین، توجهی نشده است و به همین دلیل مصداق واقعی یا بارزی در این خصوص وجود ندارد. هدف اصلی پژوهش حاضر نیز معرفی این نظریه است تا نقطهٔ شروعی برای بهره‌مندی از آن در نظام حقوقی ایران باشد. امید است این پژوهش بتواند با معرفی این نظریه، روشی نوین و راهگشا را برای رفع ابهام قوانین در اختیار صاحب‌نظران حقوقی و مقامات قانونی قرار دهد.

۶. نتیجه

در تفسیر قصدگرای قانون که زیرمجموعهٔ تفسیر منشأگرا قرار می‌گیرد، مفسر با توجه به مشروح مذاکرات هنگام تصویب قانون، در تلاش است تفسیری ارائه دهد که منطبق با ارادهٔ قانونگذار باشد و در

این زمینه به نظریات گروه‌های مختلف در مراحل طرح و تصویب قانون توجه می‌کند. به‌دلیل اینکه مجالس قانونگذاری مختلف از گروه‌های سیاسی متفاوتی تشکیل شده است و هنگام تصویب قانون تمامی گروه‌ها در مباحث مرتبط با قانون مشارکت دارند و هر یک از آنان، با گفت‌وگو چانه‌زنی در تلاش برای رسیدن به برخی اهداف خود هستند، از این‌رو یکی از شیوه‌های کشف ارادهٔ وضع‌کنندگان قانون، استفاده از نظریهٔ چانه‌زنی است. هنگام تفسیر قصدگرا، اغلب به مشروح مذاکرات هنگام تصویب قانون و نظر اکثریت موافق آن قانون توجه می‌شود. درحالی‌که فراتر از نظر اکثریت، باید ارادهٔ گروه‌های مؤثر در تصویب قانون را ملاک قرار دارد. در فرایند تصویب قانون، گروه‌های مختلفی نقش دارند که نظر هر یک از آنان در تصویب یا عدم تصویب قانون مؤثر است و می‌توان گفت صرفاً توجه به نظر اکثریت در بسیاری از موارد مقصود قانونگذار را برای ما روشن نخواهد کرد و در تفسیر قانون بر اساس مذاکرات ابتدایی باید به فرایند تصویب قانون و گروه‌های مؤثر در آن نیز توجه شود. حتی در این میان گروه‌هایی را که شاید اقلیت به‌نظر برسند، ولی ممکن است رأی تأثیرگذار هنگام تصویب قانون داشته باشند نمی‌توان نادیده انگاشت. اکثریت موافق نیز برای تصویب قانون نیازمند نظر اقلیت هستند؛ از این‌رو برای جلب اقلیت در مواردی که نظر ایشان با گروه اقلیت در تعارض است، از مواضع خود عقب‌نشینی می‌کنند تا بتوانند قانون مذکور را تصویب کنند؛ در نتیجه اکثریت در زمان تصویب قانون برای رسیدن به اهداف مدنظر خود، مجبور به قبول نظر اقلیت می‌شوند و از این‌رو باید به نظرهای تمامی گروه‌های مؤثر در تصویب قانون توجه شود.

ذکر این نکته خالی از وجه نیست که استفاده از نظریهٔ چانه‌زنی در تفسیر قصدگرای قانون در مواردی کاربرد دارد که اولاً قانون در قوهٔ مقننه و با جلب نظر گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی تصویب شود. پس این نظریه در مواردی که قانون از طریق همه‌پرسی تصویب شده یا اکثریت مجلس در اختیار یک گروه خاص است و قانون با اکثریت مطلق از آن گروه خاص و بدون توجه به نظر سایر گروه‌های سیاسی تصویب می‌شود، کاربردی ندارد؛ ثانیاً به‌منظور تفسیر قصدگرا پیش‌نویس و مشروح مذاکرات زمان تصویب قانون موجود باشد تا مفسر از آن طریق نسبت به دسته‌بندی گروه‌های مختلف سیاسی و هدف هر یک از آنان از تفسیر قانون، آگاه شود و در نهایت بر اساس قصد مقنن، قانون را تفسیر کند. مفسر هنگام استفاده از نظریهٔ قصدگرا به‌صورت عام و استفاده از نظریهٔ چانه‌زنی ذیل آن، نیازمند منابعی چون مذاکرات یا سایر منابع نشان‌دهندهٔ قصد قانونگذار هنگام تصویب قانون است. پس در نهایت می‌توان گفت در شرایطی که مشروح مذاکرات در زمان تصویب قانون در دسترس باشد و قوهٔ مقننه شامل یک گروه اکثریت هم‌نظر نباشد و برای تصویب یک قانون نیاز به جلب نظر گروه‌های مختلف سیاسی باشد، می‌توان از این نظریه در جهت تفسیر قوانین مذکور استفاده کرد. با توجه به موارد مذکور باید گفت که روش تفسیر قصدگرای مبتنی بر نظریهٔ چانه‌زنی می‌تواند ابهامات قوانین را برطرف کند. در این روش،

تفسیر قانون بر اساس چانه‌زنی‌های مقدماتی تصویب قانون با تأکید بر شخصیت‌های کلیدی مؤثر، صورت می‌گیرد و از این طریق ارادهٔ مقنن به شکل منسجم‌تر و مؤثرتری کشف می‌شود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. ادارهٔ کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۱ و ۳، تهران: ادارهٔ کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.

۲. بهرامی، بهرام (۱۳۹۰). *بایسته‌های تفسیر قوانین و قراردادها*. تهران: نگاه بیّنه.

۳. رحمتی، محمدحسین؛ یوسفی، کوثر (۱۴۰۰). *نظریهٔ بازی‌ها*، تهران: نی.

۴. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۸). *بررسی و تحلیل حقوق شهروندی و حقوق بشر: آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۵. فتحی، محمد؛ کوهی اصفهانی، کاظم (۱۳۹۷). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان*، تهران: پژوهشکدهٔ شورای نگهبان.

۶. فرجی، یوسف (۱۳۸۴). *تئوری اقتصاد خرد*. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

۷. قاضی شریعت‌پناهی، سید ابوالفضل (۱۳۹۹). *بایسته‌های حقوق اساسی*. تهران: میزان.

۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*. تهران: میزان.

۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). *مقدمهٔ علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱۰. محمدی، ابوالحسن (۱۳۹۰). *مبانی استنباط اسلامی یا اصول فقه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۱. وکیل، امیرساعد؛ عسکری، پوریا (۱۳۹۴). *قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی*. تهران: مجد.

۱۲. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۶). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. ج ۲، تهران: میزان.

ب) مقالات

۱۳. افشار، سجاد (۱۳۹۷). رهیافت مؤلف‌گرا در تفسیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامهٔ دانش حقوق عمومی*، ۸ (۲۰)، ۴۹-۷۰.

۱۴. آقایی طوق، مسلم (۱۳۸۶). بررسی رویکرد تفسیری شورای نگهبان در پرتو هرمنوتیک فلسفی گادامر. *مجلهٔ معارف اسلامی و حقوق*، ۸ (۱)، ۳۳-۵۹.

۱۵. بابایی مهر، علی (۱۳۸۸). تفسیر، اصول و مبانی آن در حقوق عمومی. *مجلهٔ حقوق خصوصی*، ۶ (۱۴)، ۱۶۷-۱۹۶.

۱۶. بهادری جهرمی، محمد (۱۳۹۵). جایگاه حقوقی تفسیر رسمی قانون اساسی در مقایسه با متن قانون اساسی با

تأکید بر نظام حقوقی ایران. *فصلنامهٔ دانش حقوق عمومی*، ۵ (۱۴)، ۴۷-۶۷.
۱۷. جاوید، محمدجواد؛ افشار، سجاد (۱۳۹۷). رهیافت متن گرایی در تفسیر حقوقی؛ با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامهٔ پژوهش حقوق عمومی*، ۲۰ (۶۱)، ۳۹-۶۰.
۱۸. حبیب‌زاده، توکل؛ بهادری جهرمی، محمد؛ اصغری شورستانی، محمدرضا (۱۴۰۱). نظریهٔ تفسیر اجتهادی» و جایگاه آن در تفسیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامهٔ مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، ۵۲(۳)، ۱۲۲۵-۱۲۰۵.
۱۹. حبیب‌نژاد، سید احمد؛ عامری، زهرا (۱۳۹۶). امکان‌سنجی عزل نمایندگان مجلس در نظام حقوق اساسی ایران. *فصلنامهٔ دانش حقوق عمومی*، ۶ (۱۸)، ۶۷-۸۹.
۲۰. خسروی، حسن (۱۳۹۷). تئوری نمایندگی در پرتو فلسفهٔ سیاسی و حقوق عمومی. *مجلهٔ تحقیقات حقوقی*، ۲۱ (۸۳)، ۱۸۶-۱۵۹.
۲۱. خلف رضایی، حسین (۱۳۹۳). رویکرد تفسیر قانون اساسی؛ با نگاهی به نظریات شورای نگهبان. *فصلنامهٔ دانش حقوق عمومی*، ۳ (۷)، ۷۳-۹۳.
۲۲. عترت دوست، محمد؛ وزیری راد، سید محمدجواد (۱۳۹۲). بررسی ادلهٔ فقهی مخالفان ولایت سیاسی زنان در فقه شیعه. *فصلنامهٔ پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ۹ (۳۳)، ۷۹-۹۴.
۲۳. لک‌زایی، صغری؛ فراهتی، عباسعلی (۱۳۹۸). تبیین معنای «رجال مذهبی- سیاسی» درج‌شده در اصل ۱۱۵ قانون اساسی با تأکید بر سیرهٔ علوی. *فصلنامهٔ پژوهش‌های نهج‌البلاغه*، ۱۸(۶۰)، ۶۹-۹۰.
۲۴. موحدی محب، مهدی (۱۴۰۰). «رجال مذهبی و سیاسی» به‌عنوان قید غالبی، در اصل یکصدوپانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *مجلهٔ تحقیقات حقوقی*، ۲۴(۹۶)، ۲۶۵-۲۹۰.
۲۵. میرحسینی، سید احمد؛ صادق‌پور، جعفر (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل مشروعیت نمایندگی مجلس با توجه به جایگاه آن در ساختار نظام مردم‌سالار دینی. *مجلهٔ فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۴۹(۱)، ۱۴۷-۱۶۶.
۲۶. نیکونهاد، حامد؛ اصغری شورستانی، محمدرضا؛ آیینه نگینی، حسین (۱۳۹۵). رویکرد تفسیری شورای نگهبان به قانون اساسی در دورهٔ نخست فعالیت. *فصلنامهٔ دانش حقوق عمومی*، ۵ (۱۴)، ۲۳-۴۶.
۲۷. ویژه، محمدرضا (۱۳۸۸). تأملی بر سلسله‌مراتب هنجارها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامهٔ راهبرد*، ۱۸(۵۰)، ۵-۳۸.

ج) پایان‌نامه

۲۸. آقایی طوق، مسلم (۱۳۸۶). تأثیر نظریهٔ تأویل گادامر بر نظریهٔ تفسیر قانون اساسی. *پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد*. به راهنمایی محمد راسخ. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکدهٔ حقوق.
۲۹. محمدی میرعزیزی، پیام (۱۳۹۹). تحلیل تفسیر نظام‌مند (منطقی) در حقوق ایران و بررسی جایگاه آن در میان سایر شیوه‌های تفسیر. *رسالهٔ دکتری*. به راهنمایی محمد صالحی مازندرانی. قم: دانشگاه قم، دانشکدهٔ حقوق.

د) منابع الکترونیک

۳۰. حائری یزدی، مهدی (۱۳۹۵). حکمت و حکومت. *پایگاه اینترنتی محسن کدیور*. مشاهده‌شده در تاریخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۷ از: https://kadivar.com/wp-content/uploads/2016/07/Hekmat-va-Hokoumat.pdf

۳۱. مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴). مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی. پایگاه اینترنتی روزنامهٔ رسمی. مشاهده‌شده در تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۳ از: https://www.rrk.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code=15152.

۳۲. قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۸۳). زنان و مسئولیت اجرایی در سطح کلان، *پایگاه اینترنتی نشریهٔ پیام زن*، مشاهده‌شده در تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۳ از: http://payamezan.eshragh.ir/article_52565.html

۲. انگلیسی

A) Books

1. Cooter, R. D ., & Gilbert, M. D (2022). *Public law and economics.* New York: Oxford university.
2. Maschler, M؛ Solan, E and Zamir, S. (2013). *Game Theory*. Cambridge: Cambridge university press.
3. Muthoo, A. (2002*). Bargaining Theory with Applications*. Cambridge: Cambridge university press.
4. Thomson, W. (1994). Cooperative models of bargaining. In *Handbook of Game Theory with Economic Applications Volume 2*, edited by Aumann, R. and Hart, S. Elsevier, 1237-1284.
5. Vieira, M. B and Runciman, D. (2008). *Representation*. Cambridge: Polity Press.

B) Digital Resources

6. Flores Borda, G. (2011). Game Theory and the Law: The "Legal-Rules-Acceptability Theorem" (A rationale for non-compliance with legal rules), available at https://centrocedec.files.wordpress.com/2010/06/gt-center-game-theory-and-the-law-theorem-25-03-11.pdf. last seen 2024-05-13.
7. McCubbins, M. D (1992). Positive Canons: The Role of Legislative Bargains in Statutory Interpretation, Georgetown Law Journal, 80, 705-742. Available at: https://scholarship.law.duke.edu/faculty_scholarship/3295 . last seen 2024-05-13.
8. Schelling, T (1952). An Essay on Bargaining. *The American Economic Review*, 46(3). 281-306. Available at: http://www.jstor.org/stable/1805498. . last seen 2024-05-13.